

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان

۱۵ نومبر ۲۰۱۲

## تشدید تضادهای هیأت حاکمه ایران و

## تأثیر آن بر جامعه و وظایف مردم

تقاضای آقای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور اسلامی ایران برای بازدید از زندان اوین و پاسخ منفی رئیس قوه قضائیه و "به مصلحت" ندانستن بازدید وی از زندان و سپس، واکنش علنی رئیس جمهور به نامه ممهور به مهر "خیلی محرمانه" رئیس قوه قضائیه، اوگیری تضاد هیأت حاکمه رژیم را بار دیگر در انظار عمومی قرار داد. نامه نگاری بین رئیس دولت و رئیس قوه قضائیه رژیم به دنبال شروع ناگهانی "جنگ ارزی" در هفته‌های قبل از آن از سوی نهادهای مالی امپریالیستی و فرمانبران داخلی آنها، به ویژه، بازار انگلی ایران و هم چنین، دستگیری علی اکبر جوانفکر، مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور همزمان با سخنرانی احمدی نژاد در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، همه حاکی از آن هستند که طرفین دعوا مصمم‌اند قوای خود را برای به زیر کشیدن جناح مقابل وارد میدان نموده و اگر دست دهد حتی پیش از برگزاری انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری، حریف را از میدان به در کنند. این دو حادثه، مخصوصاً به این شائبه دامن می زند که حتی جناح موسوم به اصلاح طلب رژیم، مصمم است برای کسب قدرت بلامنازع در حاکمیت، از حمایت و پشتیبانی "جامعه جهانی"، بخوانیم امریکا و اروپا، برخوردار شود.

قبل از این نیز پس از آن که در روزهای آخر حمل [فروردین ماه] سال گذشته رئیس جمهور کشور استعفای حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات رژیم را پذیرفت، بلافاصله آیت‌الله خامنه‌ای وارد صحنه شد و وی را بدون حتی اطلاع احمدی نژاد در سمت خود ابقاء کرد، معلوم بود تضادهای درونی هیأت حاکمه روز به روز شدت می یابد. علاوه بر اینها، شروع "جنگ ارزی" از سوی بازار انگلی در هفته‌های گذشته و تلاش‌های مقامات رسمی برای مقصر معرفی کردن دولت در بالا رفتن تصنعی نرخ ارز نشان دادند که تضادهای درونی هیأت حاکمه ایران به چنان درجه حادی رسیده که در شرایط تهدیدهای امریکا و اسرائیل برای حمله نظامی به تأسیسات اتمی ایران و تحریم‌های گسترده "جامعه جهانی" علیه مردم ایران، که از همان ابتدای پیروزی انقلاب با فراز و فرودهای آشکار و نهان در درون هیأت حاکمه ادامه داشت، می رود تا به پایان خود برسد.

البته، نباید چنین تصور کرد که همه درگیری‌های درونی هیأت حاکمه به همین موارد گفته شده ختم می‌شود و تازگی دارد. بلکه به عکس، حاکمیت برآمده از انقلاب ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ مردم ایران بناء به خصلت ملی - دموکراتیک انقلاب که با حضور گسترده و مبارزه فعال طبقات و اقشار مختلف اجتماعی به پیروزی رسید، یک رژیم یکدست وابسته به یک طبقه و یا قشر اجتماعی خاصی نبود و جنگ قدرت بین جناح‌های متخالف رژیم، از درگیری‌ها با دولت مهندس بازرگان و سپس، فراری دادن رئیس جمهور بنی صدر، عزل آیت‌الله حسینعلی منتظری از مقام نیابت ولایت فقیه و خانه نشین کردن وی و تا همین حمله تقریباً دو سال پیش به میرحسن موسوی، نخست وزیر دوره کشتارهای وحشتناک و مهدی کروی، رئیس سابق مجلس قانونگذاری رژیم، به اضافه شاخ و شانه کشیدن دائمی به هاشمی رفسنجانی، "سردار سازندگی" و رئیس مجلس خیرگان و بسیاری از این دست درگیری‌ها، همواره ادامه داشته و با توجه به اوضاع داخلی و جهانی، با فراز و فرودهایی همراه بوده است و امروزه تقابل این جناح‌ها در آستانه برگزاری یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران، کاملاً عریان تر شده و در سمتی پیش می‌رود که هر یک از طرفین دعوا برای وارد کردن همه نیروهای خود به میدان کارزار با رقیب و برقراری حاکمیت بلامنازع خود بر کشور، از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کند.

قدر مسلم این است که هر دو جناح رژیم بر این واقعیت آگاهی دارند که ادامه حیات رژیم با ترکیب فعلی دیگر امکان پذیر نیست و بالاخره باید کار را یکسره بکنند. و این هم واقعیت دارد که دور تازه درگیری‌های جناحی درون هیأت حاکمه از سستی و تزلزل هر چه بیشتر پایه‌های رژیم خبر می‌دهند و همه ادعاهای رسمی مبنی بر وحدت و استحکام درونی نظام را باطل می‌کند.

در همین ارتباط، سکوت ولی فقیه رژیم، آیت‌الله خامنه‌ای در شرایط دعوای شدید جناحی، یک واقعیتی است که نمی‌توان از نظر دور داشت. فراموش نمی‌کنیم که در روزهای اوج اعتراضات به نتایج انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، ولی فقیه مشخصاً به هواداری از جناح اصولگرایان وارد میدان شد و توانست بخش عمده اصلاح طلبان را به عقب نشینی و حتا تمکین موقتی وادار نماید. در جریان استعفای وزیر اطلاعات رژیم نیز، باز هم خامنه‌ای بدون این که رئیس دولت را به حساب آورد، فرمان ابقاء وزیر در مقام خود را صادر کرد. اما این بار، علی‌رغم هر چه علنی تر شدن درگیری‌های جناح اصولگرایان و اصلاح طلبان طرفدار نئولیبرالیسم، ولی فقیه رژیم فعلاً سکوت اختیار کرده است. در چنین شرایطی، سکوت ایشان نمی‌تواند یک معنی بیشتر داشته باشد و آن این که، پایه‌های صندلی خود ولی فقیه نیز بیش از آن چه که در ظاهر دیده می‌شود، سُست شده و ایشان هنوز نمی‌توانند تشخیص دهند توازن قواء به نفع کدام جناح تغییر خواهد کرد. و لذا، به همین سبب سکوت وی را می‌توان یک سکوت کاسبکارانه و نان قرص دادن برای روز مبادای فردا در شرایطی تلقی کرد که کلیت نظام در ورطه تشنّت و تزلزل هلاکتبار گرفتار آمده و پس از قلع و قمع تمام مخالفان خود در طول بیش از سه دهه گذشته، اینک تضادهای درونی هیأت حاکمه به مرحله اُشتی ناپذیری رسیده است. بنا بر این، هر یک از دو جناح رژیم حاکم ناچار است به تصفیه و پاکسازی صفوف خود از عناصر و جریان‌های نامطلوب خودی دست بزند.

در همه حال واقعیت تشدید تضادهای درونی رژیم حاکم جمهوری اسلامی ایران امری نیست که مقامات هیأت حاکمه بتوانند در پشت پرده تبلیغات دینی - مذهبی پنهان سازند و یا به اتکاء ولایت مطلقه فقیه حل و فصل نمایند. زیرا، در اینجا اختلافات جناح‌ها نه بر سر باورها و اعتقادات مذهبی خود، بلکه، بر سر منافع طبقاتی آنتاگونیستی شان می‌باشد که طی سه دهه گذشته روحانیت حاکم و هاله اطراف آن از هیچ کوششی برای ثروت اندوزی و غارت دارائی‌های ملی متعلق به توده‌های کار و زحمت ایران کوتاهی نکرده است. درگیری درونی هیأت حاکمه ایران

خلاف تصور و ارزیابی برخی گروه‌ها و جریان‌ها به اصطلاح سیاسی، نه تنها یک جنگ زرگری برای انحراف افکار عمومی از مشکلات مبتلا به اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور نیست بلکه، یک واقعیت عینی است.

با توجه به تشدید تضادهای درونی هیأت حاکمه ایران و علنی تر شدن تقابل و درگیری آنها، امروز هر جریان سیاسی مترقی و طرفدار استقلال و آزادی میهن و خلق‌های کشور، همه مدافعان برقراری عدالت اجتماعی موظفند به این سؤال اساسی "چه باید کرد؟"، پاسخ صریح و روشن خود را بدهند.

حزب ما با تکیه بر نیروی مردم ایران، برای آزادی ایران اعتقاد راسخ دارد و تکیه بر اجانب را به بهانه مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی محکوم می‌کند. حزب ما اساس همکاری خویش را با سایر جریان‌های سیاسی بر پایه تحقق خواست‌های دموکراتیک و عدم دخالت اجنبی در ایران قرار داده است و بدان پای می‌فشارد و در عرصه دموکراتیک با همه نیروهای دموکرات و ضد امپریالیستی که خواهان استقلال ایران، یعنی کسانی که مخالف با تجاوز و دیکتاتور امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها نسبت به ایران هستند، مخالف تحریم و محاصره اقتصادی ایران هستند، مخالف دخالت اجانب در امور داخلی ایران هستند، ولی در عین حال خواهان تحقق آزادی احزاب و سازمان‌های سیاسی، آزادی اتحادیه‌های کارگری و صنفی، رفع سانسور، آزادی زندانیان سیاسی، جدائی دین از دولت و نظام آموزشی، احترام به حقوق بشر و تساوی حقوق زن و مرد در تمام عرصه‌های اجتماعی هستند و در یک کلام خواستار تحقق حقوق دموکراتیک در ایران هستند، صمیمانه همکاری می‌کند. عام‌ترین خواست‌های دموکراتیک، تکیه بر نیروی مردم و مخالفت با اجانب است.

حزب ما بارها تأکید کرده است در شرایطی که مردم میهن ما هر روزه توسط عفریت داخلی سرکوب می‌شوند و برای تحقق حقوق بشر هزاران قربانی داده‌اند، موظفند پیکارشان را با مبارزه علیه عفریت خارجی که مودیانه تحت نام حقوق بشر برای زندانیان سیاسی در بند اشک تمساح می‌ریزد و در عین حال به تشدید تحریم‌های جنایتکارانه اقتصادی و تهدید به تجاوز به میهنمان می‌پردازد، پیوند زنند و هوشیارانه عمل نمایند.

حزب ما راه حل نهائی برای پایان دادن به وجود منحوس رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم در ایران را راه لنینی و تقویت حزب واحد طبقه کارگر می‌داند. تنها با چنین دورنمای مارکسیستی - لنینیستی است که می‌توان هدفمند و با افق روشن مردم را برای رستاخیز نهائی، روز جدال آماده کرد. راهی جز این راه برای رهائی متصور نیست.

نقل از توفان الکترونیک شماره ۷۶ نشریه الکترونیک حزب کار ایران عقرب [آبان ماه] ۱۳۹۱

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)